

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم «اسیر»
کابل عزیز، عقرب ۱۳۳۱ ش

مست باده

ز تاب عارضش آتش بجان افتاده، تب اینست
مرا در کوی خود افتاده در خون دید، حیران شد
به پیش لعل او از تشنه کامی سوختم، اما
به خاک انتظارم می نشاند، خود نمی آید
سپند روی مجمر گشتم و عمریست می سوزم
به جز از عشق تو در دل ندارد راه، اینک دل
به رویم بی سبب پاماندی و با غیر پیوستی
چو مست باده گردی ساده تر بنشین به پهلویم

به یاد کاکلش روزم سیه گردیده شب اینست
کسی از کشته خود بیخبر باشد، عجب اینست
نکردم خواهش یک بوسه از لعلش ادب اینست
نمی آید، نمیخواند، نمی راند، غضب اینست
بت من دوراز رویت مرا عیش و طرب اینست
نرفته جز دعایت بر لبم ای شوخ، لب اینست
منت با خون دل پرورده ام آخر سبب اینست
یگانه آرزویم از تو ای شوخ شقب اینست

«اسیر» از ما به عشق خود ندیده هیچ کوتاهی

بت من خود بود کوتاهبین، امروز گپ اینست